

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

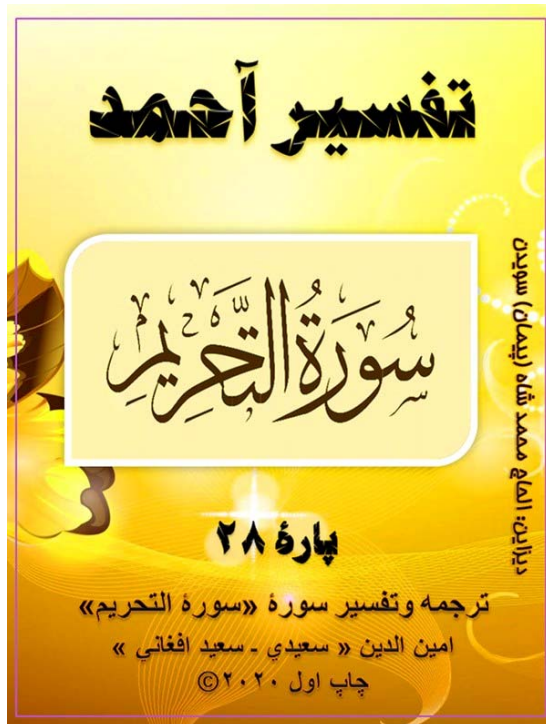
الحاج داکتر امین الدین «سعیدی-سعیدافغانی»

۱۶ دسمبر ۲۰۲۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## ترجمه و تفسیر سوره التحريم - (۲)

سوره تحريم در مدينه منوره نازل شده و داراي دوازده آيت و دو ركوع مي باشد.



### سایر روایات در شأن نزول آیات ۱ - ۴ :

۱۱۱۴- حاکم و نسائی به سند صحیح از انس (رض) روایت کرده اند: رسول الله صلی الله علیه وسلم کنیزی داشت که با او نزدیکی می کرد و به خواست حفصه (رض) کنیزک را بر خود حرام کرد. برای همین الله تعالی آیت «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ» را نازل کرد.  
۱۱۱۵- ضیاء در «مختاره» از حدیث ابن عمر از عمر فاروق روایت کرده است: رسول الله صلی الله علیه وسلم به حفصه (رض) گفت: من مادر ابراهیم [ماریه قبطیه] را بر خود حرام کردم، اما تو این جریان را به کس خبر مده، پیامبر با ماریه آمیزش انجام نمی داد، تا حفصه به عایشه جریان را خبرداد. پس «قَدْ قَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحْلَةَ أَيْمَانِكُمْ» نازل شد. (هیثمی بن کلیب و ضیاء مقدسی چنانچه در

«تفسیر ابن کثیر» ۶۸۹۰ به شماره گذاری محقق آمده از جریر بن حازم از نافع از ابن عمر از عمر روایت کرده اند. راوی های این ثقة اند و ابن کثیر این را صحیح می داند).

۱۱۱۷- بزار به سند صحیح از ابن عباس (رض) روایت کرده است: این کلام عزیز «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ» در باره سربیه رسول الله نازل شده است. (بزار ۲۲۷۴ و ۲۲۷۵ و طبرانی ۱۱۱۳۰ به سندی که راوی هایش ثقة است از ابن عباس روایت کرده اند).

۱۱۱۸- طبرانی به سند صحیح از ابن عباس (رض) روایت کرده است: رسول الله به نزد سوده عسل می نوشید. به خانه عایشه که آمد. گفت: ای رسول خدا! بوئی از شما به مشام می رسد. به اتاق حفصه (رض) که رفت او نیز همان سخن

را گفت. پیامبر گفت: فکر می‌کنم این بوی از اثر عسلی است که در خانه سوده نوشیدیم. قسم به خدا دیگر عسل نمی‌نوشم. پس خدای بزرگ در این خصوص «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ» را نازل کرد. (طبرانی ۱۱۲۲۶. هیثمی در «مجمع الزوائد» ۱۱۴۲۶ می‌گوید: راوی‌های این راوی صحیح هستند. سیوطی در «در المنثور» ۶ / ۳۳۶ این را صحیح گفته است. «تفسیر شوکانی» ۲۷۱۵ به تخریح محقق.)

۱۱۱۹- این روایت دارای شاهد است که در بخاری و مسلم آمده. (صحیح است، در بخاری، مسلم و کتب دیگر آمده که در خانه زینب نوشیده است، بخاری ۴۹۱۲ و ۵۲۶۷، مسلم ۱۴۷۴، ابوداؤد ۳۷۱۴، نسائی در «تفسیر» ۶۲۸ و ابن حبان ۴۱۸۳ از عبید بن عمیر از عایشه روایت کرده اند. [بخاری ۶۶۹۱ و مسلم ۲۶۹۴] «احکام القرآن» ۲۱۵۷ تخریح محقق.)

حافظ بن حجر گفته است: احتمال دارد که آیت در هر دو مورد نازل شده باشد.

۱۱۲۰- ابن سعد از عبدالله بن رافع روایت کرده است: از ام سلمه (رض) در مورد این آیت «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ» سؤال کردم. گفت: در نزد من یک مشک عسل سفید بود و رسول الله صلی الله علیه وسلم عسل را دوست داشت و از آن می‌خورد. عایشه (رض) گفت: زینور این عسل از عرفط [نوعی از درختان خاردار که شکوفه آن سفید است] تغذیه کرده است. پیامبر عسل را بر خود تحریم کرد. پس آیت نازل شد. (این درست نیست به روایت صحیح آمده که پیامبر در خانه زینب عسل می‌نوشید. «طبقات» ابن سعد ۸ / ۶۸ و ۸۵ و ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۵۱.)

۱۱۲۱- ک: حارث بن اسامه در «مسند» خود از عایشه (رض) روایت کرده است: چون ابوبکر صدیق سوگند یاد کرد که بر مسطح انفاق نمی‌کند. آنگاه الله تعالی آیت:

«قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ» را نازل کرد. پس از نزول آیت ابوبکر صدیق انفاق او را مجدداً شروع کرد. در سبب نزول آیت بودن این حدیث غرابت جدی وجود دارد. (حارث از عایشه روایت کرده، چنانچه در «مطالب عالی» ۳۷۸۴ آمده است، حافظ و بوصیری در باره سکوت کرده اند. این خبر باطل است چون مخالف احادیث مشهور و صحیح است، تمام مفسرین از این اعتراض کرده اند.)

۱۱۲۲- ابن ابوحاتم از ابن عباس (رض) روایت کرده است: زنی خود را به پیامبر اکرم بخشید. در باره او آیت «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ» نازل شد. این روایت نیز غریب است و سند آن ضعیف. (ابن ابوحاتم چنانچه در «تفسیر ابن کثیر» ۴ / ۴۵۷ آمده روایت کرده است، اسناد این به خاطر حفص بن عمر عوفی ضعیف است. ابن کثیر این را غریب و حدیث عایشه در خصوص نوشیدن عسل را درست می‌داند. «احکام القرآن» ۲۷۲۰ تخریح محقق.) (تفسیر بیان کلمات قرآن کریم تألیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول تألیف علامه جلال الدین سیوطی.)

**قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (۲)**

خداوند راه گشودن (شکستن) سوگندهایتان را برای شما مقرر کرده است و الله مددگار شماست و اوست دانای باحکمت.

(۲)

«فَرَضَ»: اجازه داده است. مقرر داشته است.

«تَحِلَّةً»: گشودن. حلال کردن.

ما بنده الله تعالی، مطیع و فرمانبردار هستیم، حلال را حلال شمردیم، گرچه به قیمت شکستن قسم هم تمام شود «هُوَ مَوْلَاكُمْ».

در جمله «قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ» با دقت برای ما می آموزاند که : در دین مقدس اسلام بن بست وجود ندارد، هیچ حکمی حتی قسم هم نمی‌تواند تمام راهها را بر انسان ببندد.

علمای کرام در بیان احکام این آیت می نویسند: هیچ کس نمی‌تواند آنچه را که خداوند متعالی حلال نموده، حرام گرداند و اگر کسی چنین کرد آن چیز حرام نمی‌شود و بر کسی که آن را بر خود حرام کرده پایبندی به حرمت لازم نیست، طوری که در فوق هم یاد آور شدیم که حلال و حرام حق پروردگار با عظمت جَلَّ عَظَمَتُهُ است.

ولی اگر با آنهم کسی چنین کرد، برخی از فقهاء، از جمله امام صاحب ابوحنیفه بر آنند که این به منزله سوگند خوردن (یمین) است؛ به طور مثال : اگر کسی لباس، یا غذا، یا نوشیدنی مخصوص یا چیزی از آنچه را که خداوند متعال مباح کرده است، بر خود حرام کرد. بنابراین، اگر به آنچه که بر خود حرام کرده بود برگشت، بر وی کفاره یمین لازم می‌شود و چون کفاره داد، سوگندش از بین می‌رود و گشوده می‌شود.

این حکم در همه چیز جاری است، حتی اگر خدا ناخواسته زنش را بر خود حرام گردانید. بعضی از فقها گفته اند: اگر زنش را بر خود حرام کرد و از تحریم وی نیت طلاق را داشت، طلاق واقع می‌شود. والله اعلم.

ولی نزد امام ابوحنیفه اگر زنش را بر خود حرام کرد و نیتی نداشت این در حکم سوگند «ایلاء» است، اگر نیت «ظهار» را داشت، ظهار واقع می‌شود، اگر نیت طلاق را داشت، طلاق بائن واقع می‌شود و اگر عدد معینی را در طلاق نیت کرد، نیتش معتبر است.

اما امام شافعی (رح) این تحریم را سوگند (یمین) نمی‌شناسد بلکه تحریم را فقط در مورد زنان سببی در وجوب کفاره می‌داند و اگر کسی از آن نیت طلاق را کرد، با آن طلاق رجعی واقع می‌شود.

(برای تفصیل موضوع مراجعه فرمائید به تفسیر انوار القرآن عبدالرؤف مخلص هروی جلد سوم سوره تحریم)

### ظهار چیست؟

ظهار از ظهر گرفته شده است و در جاهلیت پیش از اسلام مرد برای زن خود می‌گفت : «انت علی کظهر اُمی» (یعنی تو بر من مانند پشت مادرم هستی) و بدین ترتیب زن طلاق می‌شود، اما با آمدن دین مقدس اسلام ظهار که در زمان جاهلیت در بین مردم مروج بود آن را باطل اعلان داشت و تا مرد کفاره نپردازد، زنش برایش حرام است.

### کفاره ظهار:

کفاره ظهار طوری که در آیت متبرکه آمده است عبارت از:

۱- آزاد کردن غلام یا کنیز مسلمان. اگر برده نیافت.

۲- روزه گرفتن دو ماه متوالی بدون وقفه. و اگر نتوانست.

۳- اطعام (طعام دادن) برای ۶۰ مسکین. طوری که پروردگار با عظمت ما فرموده است : «وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذَلِكَ تُوعِظُونَ بِهِ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۳ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَاطْعَامٌ سِتِّينَ مَسْكِينًا ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۴» (و آنانی که با زنان خود ظهار می‌کنند باز از آن چه گفته‌اند باز می‌گردند پیش از آن که با یکدیگر نزدیکی کنند باید برده ای را آزاد کنند. این درس و پندی است که به شما داده می‌شود و الله به آن چه می‌کنید آگاه است. (۴) پس اگر کسی (برده) نیابد باید دو ماه پی در پی روزه بگیرد پیش از آن که زن و شوهر با همدیگر

نزدیکی کنند و کسی که نمی‌تواند پس باید شصت نفر مسکین را طعام بدهد. این برای آن است که به الله و پیغمبرش ایمان بیاورید. و این (احکام) حدود مقرر شده الله است و کافران عذاب دردناک دارند.)

### خواننده محترم !

توجه نمایند که دین مبین اسلام چطور در آن عصر که همه جای برده و غلام و تحقیر و زنده به گور کردن دختران و دهها جنایات و روابط ضد انسانی مسلط بود با چنان تدبیر و درایت با استفاده از هر فرصت درین اعمال و روش های غیر طبیعی و نادرست بشری به مهار کردن آن می رود و به هر مناسبت به آزاد کردن غلام و اسیر امر و هدایت دارد. مقام زن را بلند و به جایگاه انسانی می رساند و از جامعه با روش ها و عقاید ناپسند ملت می سازد که بر اصول و روشها و اخلاق عالی انسانی و اسلامی مجهز میسازد.

### یادداشت ضروری:

مبحث ظاهر را با تمام تفصیلات آن می توان در سوره مجادله همین تفسیر شریف مطالعه فرماید.

**وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَأَنِي الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ (۳)**

و هنگامی که پیامبر با یکی از زنانش رازی نهانی گفت، پس چون وی آن (رازی) را برای (زن دیگر) بازگو کرد و الله (پیامبر) را بر آن مطلع گردانید (پیامبر) بخشی از آن را اظهار کرد و از بخشی (دیگر) اعراض نمود. و چون (موضوع) را به آن (زن) خبر داد، وی گفت: چه کسی این را به تو (شما) خبر داده است؟ گفت: (الله) دانای آگاه به من خبر داده است. (۳)

«أَسْرَ»: پنهانی بیان کرد. به گونه راز بیان داشت.

«بَعْضٍ»: یکی. فردی.

«حَدِيثًا»: سخن. کلام.

«نَبَأَتْ بِهِ»: خبر داد به آن.

«أَظْهَرَهُ»: آن را اطلاع داد. «عَرَفَ»: شناساند. بازگو نمود.

یعنی: پیامبر صلی الله علیه وسلم بخشی از آن سخنی را که حضرت بی بی حفصه افشاء کرده بود، در عتاب خویش به وی اظهار کرد «و از بخشی دیگر صرف نظر کرد».

سفیان ثوری می گوید: «تغافل (یعنی این که خود را به بی خبری زدن) از اخلاق کریمان است». «پس چون» پیامبر صلی الله علیه وسلم «او را از افشای راز خبر داد، آن زن گفت: چه کسی تو را از این خبر داده؟» یعنی: چه کسی تو را از افشای راز توسط من آگاه کرده است؟ «گفت» پیامبر صلی الله علیه وسلم «مرا خداوند دانای آگاه» که هیچ امر نهانی ای بر او مخفی نمی ماند «با خبر کرد».

**إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ (۴)**

اگر شما دوزن (پیامبر) به درگاه الله توبه کنید (برایتان بهتر است)، بی گمان دلهایتان منحرف گشته است و اگر به ضد او همدست شوید (بدانید) که الله مدد گار اوست و (نیز) جبرئیل و مؤمنان نیک و فرشتگان مدد گار او هستند. (۳) «إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا» این خطاب به دو همسر گرامی پیامبر صلی الله علیه وسلم بی بی حفصه و بی بی عایشه رضی الله عنهما می باشد که سبب شدند تا پیامبر اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم آن چه را که دوست می داشت بر خودش حرام نماید سپس خداوند توبه را به آن ها عرضه نمود و آن ها را بر کارشان سرزنش کرد و به آن

ها خبر داد که دل هایتان از پرهیزگاری و ادبی که شایسته است با پیامبر رعایت کنید و او را احترام بدارید، منحرف گشته است.

در جمله « **وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ** » و اگر با همدیگر همکاری کنید در امری که بر او دشوار می آید و او را ناراحت می کند، و این کار شما ادامه داشته باشد پس بدانید که « **فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ** » خداوند متعال خودش کارساز و یاور پیامبر است و نیز جبرئیل و مؤمنان صالح و فرشتگان بعد از آنان پشتیبان اویند. یعنی همه یاوران و پشتیبان پیامبر هستند و هرکس که یاورانش این ها باشند قطعاً پیروز خواهد بود. و این بزرگترین برتری و شرافت است برای سرور پیامبران محمد صلی الله علیه وسلم که ذات بزرگوار خداوند و بندگان و آفریده های برگزیده اش یاوران این پیامبر بزرگوار می باشند.

**عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنْ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكَ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا (۵)**

اگر پیامبر شما را طلاق دهد. چه بسا پروردگارش همسرانی بهتر از شما برایش جایگزین کند. [زنانی که] مسلمان، مؤمن، فرمانبردار، توبه کار، پرستشگر [خداوند]، روزه دار، اعم از بیوه و دوشیزه باشند. (۵)  
«مُسْلِمَاتٍ»: جمع مُسْلِمَةٌ، مسلمان و فرمانبردار.

«قَانِتَاتٍ»: جمع قَانِتَةٌ، خاشع و خاضع. فروتن (ملاحظه شود سوره های : نساء / ۳۴، احزاب / ۳۵).

«سَائِحَاتٍ»: جمع سَائِحَةٌ، روزه دار، گردنده (ملاحظه شود سوره : توبه / ۱۱۲). «ثَيِّبَاتٍ»: جمع ثَيِّبٌ، غیر دوشیزه. بیوه.

«أَبْكَارًا»: جمع بَکْرٌ، دوشیزه (ملاحظه شود سوره : واقعه / ۳۶).

در این آیت نیز یکبار دیگر دو همسر گرامی پیامبر صلی الله علیه وسلم (بی بی عایشه و بی بی حفصه) بر حذر داشته شده اند، نیز آن ها را با چیزی ترسانده که بر زنان بسیار دشوار می آید و آن طلاق است که گران ترین چیز برای آن هاست. پس فرمود: « **عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنْ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكَ** » پس خود را برتر ندانید چون اگر او شما را طلاق بدهد کار بر او دشوار نخواهد شد و برای نگاه داشتن شما مجبور نخواهد بود چون خداوند به او همسرانی خواهد داد که از نظر زیبایی و دیانت از شما بهتر خواهند بود، اما این از باب تعلیق است و هنوز تحقق نیافته و لازم نیست که محقق شده باشد چون همسرانش را طلاق نداد و اگر طلاق می داد چنین زنان فاضله ای که خدا ذکر نموده پدید می آمدند.

«مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ» زنان مسلمانی مؤمنی که هم مقررات ظاهری را به جای می آورند و هم ایمان دارند. یعنی شرائع باطنی از قبیل عقاید و اعمال قلب را نیز به جای می آورند.

«قَانِتَاتٍ» و همواره و همیشه فرمانبردارند.

«تَائِبَاتٍ» و از آن چه که خدا نمی پسندد توبه می کنند و اعراض می نمایند. پس آن چه را که خدا دوست می دارد انجام می دهند و از آن چه که دوست نمی دارد روی گردان می شوند.

«ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا» برخی بیوه و برخی دوشیزه خواهند بود، تا پیامبر صلی الله علیه وسلم به دلخواه خود زنان متنوعی داشته باشد.

وقتی همسران پیامبر صلی الله علیه وسلم این هشدار و تأدیب را شنیدند بلافاصله برای کسب رضایت پیامبر صلی الله علیه وسلم شتافتند. پس این صفت بر آن ها منطبق بود و آن ها برترین زنان جهان گشتند». (تفسیر علامه عبدالرحمن سعدی).

خواننده محترم!

در این هیچ جای شکی نیست که: انسان نیاز به همسر دارد و در صورتی که اختلافات بین زوجین به حدی برسد که تداوم زندگی مشترک رادر بین یک زن وشوهر غیر ممکن بسازد، ناچار باید طلاق، راجایگزین آن سازد. به یاد داشته باشید که: مقابله با همسر و عذرخواهی نکردن و پشیمان نشدن، ممکن است زن را تا سرحد طلاق و جدائی پیش ببرد. و یکی از قوی ترین اهرم‌ها در برابر توطئه زنان، تهدید به طلاق است. همچنان قابل تذکر می دانم در آیاتی که ترجمه وتفسیر آن در فوق تذکر رفت، بوضاحت دوپیمام مهم واساسی را برای ما می رساند:

**اول:** آنچه را که الله تعالی بر مسلمین حلال کرده بدون اجازه شرع حرام نخواهد شد. علماء در بیان احکام این آیت گفته اند: هیچ کس نمی تواند آنچه را که خداوند متعال حلال نموده حرام گرداند و اگر چنین کرد آن چیز حرام نمی شود و بر کسی که آن را بر خود حرام کرده پایبندی به حرمت لازم نیست، زیرا حرام و حلال کردن حق الله سبحان وتعالی است. **دوم:** تنها کسانی لیاقت همسری پیامبر صلی الله علیه وسلم را دارند که بر طبق آیت پنجم دارای این خصوصیات عالی باشند که: « مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا » یعنی: دارای صفات « همسرانی مسلمان، مؤمن، متواضع، توبه کار، عابد، هجرت کننده» باشند.

#### **یادداشت ضروری:**

مبحث طلاق وحکمت های آن به تفصیل در سوره طلاق همین تفسیر بیان یافته است که می توانید به این سوره مراجعه و حل مطلب فرمایید.  
ادامه دارد